

پیامبر و حقوق انسان

حسن بلخاری

تاریخ 185 مکتوب (1) را از رسول گرامی اسلام به یادگار گذاشته است. این مکتوبات که شامل پیمان نامه ها، دعوت امراء و رؤسای قبایل به اسلام، فرمان های حکومتی، ارشادنامه ها، امان نامه ها و برخی مکتوبات دیگر پیرامون موضوعات مختلف است، تصویری کامل از اخلاق سیاسی و اجتماعی پیامبر را به تماشا می گذارد. اهمیت این نامه ها در برجسته بودن موضع گیری های حقوقی و سیاسی پیامبر اسلام است و گرچه در برخی از متون آن، ارشادات اخلاقی و حتی تبیین جهان بینی نیز وجود دارد، اما حتی این موارد در پرتو اخلاق سیاسی- اجتماعی پیامبر مورد توجه قرار گرفته اند. همچون متفاوت بودن نامه هایی که پیامبر به پادشاهان مسیحی چون «مقوقس» و «هرقل» نوشته و در آن به آیه مشهور «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکرک به شیئا و لایتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون» (2) استناد می کنند با نامه به کسانی چون «خسرو پرویز» که پیامبر لحنی متفاوت را در برخورد با این پادشاه برمی گزینند.

نقد و تحلیل موشکافانه این مکتوبات می تواند سیره و سنت رسول گرامی اسلام را در تمامی ابعاد سیاسی - اجتماعی و حقوق تبیین ساخته و خود سرمایه و منبعی برای تدوین پروتکل های حقوقی جهان اسلام در تمامی ابعاد آن از یک سو و ارائه آن به سازمان ها و نهادهای حقوقی و سیاسی جهان امروز- به ویژه تمدن غرب- از دیگر سو باشد و این البته نیازمند تحقیق و تطبیق حکما و متفکران توانای اسلامی در قاموس موازین حقوق جهان حقوق محور امروز است. استخراج و استنباط موازین پیشرفته و مدرن حقوق بشر در اسلام با عنایت به

سنت و سیره رسول گرامی اسلام نه تنها جهان اسلام را در برخورد و مواجهه با مسائل مستحدثه جهانی توانا می سازد بلکه به عنوان، محک و معیاری در جهت تصحیح و تنقیح موازین حقوقی امروز، آن هم در عصر و دوره «جهانی سازی» و «دهکده جهانی» عمل می کند.

جهان اسلام، نیازمند یک حرکت جدی و تحول برانگیز در متن اندیشه های خویش است. شاخصه های این حرکت باید دو محور اساسی باشد: تحقیق و تطبیق. در وهله اول جهان اسلام نیاز به اندیشمندان و محققانی دارد که با نگاهی ژرف و با استناد به روش های مدرن و شیوه های تحقیقی مطلوب، عمق جان این دین را بکاوند و حقایق آن را استنباط و استخراج نمایند و در مرحله دوم به شدت نیازمند حکمایی است که ابزار و قدرت تطبیق این حقایق و موازین را با موازین مقبول و معقول جهان امروز - که در اعلامیه هایی چون اعلامیه حقوق بشر به عنوان مانیفست حقوقی جهان امروز به ویژه در عصر جهانی سازی - متجلی است، دارا باشند. البته این تحقیق و به ویژه تطبیق، با نیت استحاله و تحویل و تبدیل موازین حقوقی دین اسلام با موازین جدید صورت نمی گیرد بلکه هدف، تدوین حقوق نامه ای جهانی است که در ذات خود دارای جامعیت باشد و نه تنها دربرگیرنده حقوق و تکالیف انسان، بلکه نمایاننده جهت و مقصد معنوی او در بهره مندی از حقوق انسانی خویش نیز باشد.

به نظر می رسد جهانی که به عنصر حق بیش از تکلیف بها می دهد و در پناه و پوشش حقوق، تکالیف و وظایف انسان و جامعه انسانی را نادیده گرفته و یا در حاشیه قرار می دهد به همان آسیب ها و خطراتی دچار می شود که جوامع صرفاً تکلیف محور بدان دچار می شوند. حقوق اسلامی، قدر و قیمت حق را در کنار حد می سنجد و هرگز نه حق را فدای تکلیف و نه تکلیف را فدای حق می کند.

نقد اندیشمندان و متفکران جهان امروز به روند حقوقی حاکم بر مانیفست ها، پروتکل ها و پیمان نامه های حقوقی در عرصه جهانی، انتقاد از روند صرفاً حقوق محور آن است. در حالی که از بدیهی ترین حقوق انسانی آن است که اندیشمندان و برنامه نویسانش نه تنها حقوق او را با جامعیتی که مستلزم برنامه نویسی برای انسان ذوابعاد امروز است بنگارند بلکه در کنار حقوق انسان، وظایف و تکالیف او را نیز مشخص سازند. انسان تا خود را

در مقابل مرجعی مکلف نداند قطعاً نمی تواند با مفهوم و معنای ذاتی حقوق خویش آشنا باشد. ادراک حقوق منوط به رعایت حدود و رعایت حدود مشروط به برخورداری از حقوق است. حدود و تکالیفی که عامل رسیدن به آن حقوق است و نه در مقابل آن.

ما معتقدیم، این جامعیت در متن آیات قرآنی و سنت نبوی و علوی وجود دارد. نگارنده این مقاله از میان پیمان نامه ها و مکاتیب کثیر پیامبر تنها یک نمونه را در جهت تأیید اصول فوق و نیز بیان وجهی از وجوه اهمیت اسلام به حقوق بشر برگزیده است. یعنی پیمان رسول اکرم با مسیحیان نجران. این پیمان نامه که متن آن در «خراج» ابویوسف، «خراج» ابوعبید، «فتوح البلدان» بلاذری، «زادالمعاد» ابن قیم، «امتاع» مقریزی، «وثائق السیاسیه الیمینیه» محمدبن اکوع حوالی، «سنن ابی داوود»، «تاریخ یعقوبی» و دیگر منابع اسلامی آمده است در سال نهم هجرت و پس از داستان مشهور مباحله (3) بین پیامبر اسلام و مسیحیان نجران - منطقه ای مصفا با هفتاد دهکده در مرز میان حجاز و یمن - امضا شده و خود تنها یک نمونه از اصول حاکم بر اخلاق سیاسی - حقوقی پیامبر در رعایت حقوق بشر است. پیامبر در این پیمان نامه، در قبال تأمین امنیت مردم نجران و نیز حفاظت از اموالشان حکم به پرداخت مبلغی به عنوان جزیه می کند اما در قبال آن، ضمن ارائه نمونه بی نظیری از رحمت، رأفت و عدالت اسلامی، حقوق متقابل مردم نجران را تضمین و تعهد می نمایند. نمونه این رحمت و رأفت را در بند اول پیمان نامه می توان دریافت. در این بند تصریح شده است که مسیحیان نجران به دلیل آن که در جریان مباحله به هر دلیل از ادامه مذاکره و مباحله صرف نظر نموده و حکم در مورد میوه ها، زر و سیم و بردگان خود را به پیامبر واگذارده بودند، پیامبر همه را به ایشان می بخشد و تنها به وضع مالیاتی اندک (آن هم نه بدین دلیل که غالب شده اند بل به دلیل تعهداتی که در بندهای بعدی پیمان نامه مبنی بر تأمین جان و تضمین مال نجرانیان می کنند) بسنده می نمایند.

بخش مهم این پیمان نامه در جهت حفظ حقوق مردم نجران، شامل موارد زیر است:

الف - پیامبر متعهد می شوند هر آن چه از اموال جنگی نجرانیان که به صورت امانت به سپاه اسلام _ در جهت غلبه بر فتنه های محلی - سپرده شده است چنان چه آسیب ببیند یا نابود شود توسط فرستادگان و نمایندگان

آن حضرت جبران شود: «و به عهده ایشان است که چون در یمن درگیری و عذر و مکرری پیش آید به مسلمانان سی زره و سی اسب و سی شتر عاریه دهند و هرچه از آن زره ها و اسب و شترها و کالاهای دیگر که نابود شود فرستادگان و نمایندگان من ضامن خواهند بود که به ایشان بپردازند.» (4)

ب- پیامبر حقوق مردم نجران را در حفظ آئین خود، امنیت جان و پاسداشت مال به رسمیت می شناسند. ایشان پناه و عهد خداوند و نیز پیمان خود را، پناهگاه جان و مال و آیین مردم نجران قرار می دهند. در این بخش از پیمان نامه با این که حقانیت رسالت پیامبر در جریان مباحثه بر سران مسیحی آشکار شده و پیامبر در موقعیت یک فاتح و غالب می توانستند از آن بالاترین بهره را در مسلمان نمودن این مسیحیان ببرند، اما رسول گرامی اسلام نه تنها هیچ تلاشی در جهت الزام آنها بر تبعیت از دین خود ندارند، بلکه بر حفظ آیین و جان و مال نجرانیان، عهد و پناه خداوند و پیمان خود را گواه می گیرند: «و برای مردن نجران و اطراف آن پناه و عهد خداوند و پیمان محمد رسول خدا در مورد اموال و جان هایشان و آیین ایشان و در مورد غایب و شاهد و عشیره و پرستشگاه ها و آنچه از کم و بیش در اختیار ایشان است خواهد بود.»

ج- پیامبر، حق راهبان و کاهنان و کشیشان مسیحی را در داشتن وظیفه و مقام راهبی و کشیشی خود به رسمیت شناخته و تصریح می نمایند که اینان همچنان بر سر کار خود باقی مانده و از کار برکنار نخواهند شد: «هیچ اسقف و راهب و کاهنی از شغل و مقام خود برکنار نخواهد شد.»

د- پیامبر با ذکر قاعده ای حقوقی، نجرانیان را از پرداخت خون بهای خون هایی که در جاهلیت ریخته اند معاف می دارد: «و بر ایشان هیچ گونه تعهدی و پرداخت خون بهای خون هایی که در جاهلیت ریخته شده است نخواهد بود.»

ه- پیامبر گرامی اسلام، اساسی ترین حقوق سیاسی یک ملت را که همانا، حق زندگی در سرزمین خود و نیز بهره مندی از امنیت است را در مورد نجرانیان تعهد و تضمین می نمایند: «آنان را از سرزمین خودشان تبعید نخواهند کرد و از آنان یک دهم گرفته نمی شود و سرزمین ایشان پایکوب نخواهد شد و لشکر به آن کشیده نمی شود. هر کس از ایشان حقی مطالبه کند در کمال انصاف بدون این که بر آنان ستم شود یا ستم کننده

باشند بررسی خواهد شد.»

در پایان این پیمان نامه، شرایطی برای استدام و استحکام این پیمان نامه ذکر شده است، که گرچه به ظاهر شرط است اما در اصل تأکید بر اهمیت اصولی و حیانی و عقلانی است که در متن اعتقادات مسیحیان - و من جمله مسیحیان نجران - نیز وجود دارد: «از این پس و در آینده هر کس رباخواری کند ذمه و عهد من از او برداشته است و هیچ کس را به گناه دیگری مؤاخذه نخواهند کرد. بر آنچه در این عهدنامه است جوار خدا و ذمه محمد رسول خدا حکم فرما است تا هنگامی که ایشان خیراندیش و نیکوکار باشند و کار خود را با ستم سنگین نکنند و تا هنگامی که خداوند فرمان خود را در این باره ابلاغ فرماید.» (5) بدین صورت شرطی بودن این موارد سبب این سوءتفسیر و تعبیر نخواهد بود که این شرایط تحمیل شده است زیرا که در تعالیم حضرت مسیح (ع) نیز این شرایط لزوم پاک رفتاری و درستکاری انسان است.

پیامبر گرامی شرط استدام این ذمه و عهد را عدم رباخواری می دانند و این تحمیل پیامبر نیست، ارجاع مسیحیان به رعایت یک قاعده در مذهب مسیحیت است. نیکوکاری و خیراندیشی نیز که در پایان پیمان نامه اساس استدام تعهدات آن، ذکر شده خود دلیلی دیگر بر غایت رعایت حقوق در جامعه انسانی است، بدین معنا که عدم رباخواری، خیراندیشی و نیکوکاری ضامن رعایت حقوق و اجرای حدود در جوامع انسانی است. پانویست ها:

1 - در تعداد این مکتوبات بین اندیشمندان و مورخان اختلاف وجود دارد. صاحب «مکاتیب الرسول» 185 نامه و دکتر حمیدالله در «وثائق» 246 نامه و پیمان نامه را ذکر می کنند. رجوع شود به «مکاتیب الرسول»، علی بن حسینعلی الاحمدی، نشر یس، بهمن 1363 تهران و «مجموعه الوثائق السیاسیه»، دکتر محمد حمیدالله، ترجمه و تحشیه دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشر بنیاد 1365 تهران.

2 -قرآن مجید، سوره آل عمران آیه 64

3 -برای آشنایی با جریان مباحله به تفسیر آیه مشهور به آیه مباحله (آیه 61 آل عمران) در تفاسیر مختلف و همچنین کتب سیره و سنت رسول گرامی اسلام مراجعه شود.

4 -مجموعه الوثائق السياسية، دکتر محمد حمیدالله، ص 135

5 -متن کامل این پیمان نامه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

این عهدهی است که محمد نبی و رسول خدا(ص) برای مردم نجران نوشته است چون در مورد میوه ها و زر و سیم و بردگان خود صدور حکم را برعهده او (یعنی پیامبر) واگذارده بودند، تمام آن بدیشان بخشید و برای آنان رها فرمود به شرط آن که سالیانه دو هزار حله که ارزش هر یک چند وقیه باشد بپردازند (حله گرانبها و نوع خوب آن) در هر ماه رجب هزار حله و در هر ماه صفر هزار حله و باید ارزش هر حله چند وقیه نقره باشد. آن چه افزون یا کمتر از میزان خراج ایشان باشد محاسبه و منظور خواهد شد و آنچه از زر و اسب و مرکوب و کالا بپردازند نیز از حساب ایشان گرفته خواهد شد. (یعنی هیچ چیز بدون محاسبه و به زور و ستم از ایشان گرفته نخواهد شد.) هزینه فرستادگان من در مدت بیست روز و کمتر از آن به عهده مردم نجران است و نباید فرستادگان مرا بیش از یک ماه (برای پرداخت جزیه) معطل گذارند و به عهده ایشان است که چون در یمن درگیری و عذر و مکرری پیش آید به مسلمانان سی زره و سی اسب و سی شتر عاریه دهند و هر چه از آن زره ها و اسب و شترها و کالاهای دیگر که نابود شود فرستادگان و نمایندگان من ضامن خواهند بود که بایشان بپردازند و برای مردم نجران و اطراف آن پناه و عهد خداوند و پیمان محمد رسول خدا در مورد اموال و جانهایشان و آیین ایشان و در مورد غایب و شاهد و عشیره و پرستشگاه ها و آنچه از کم و بیش در اختیار ایشان است خواهد بود. هیچ اسقف و راهب و کاهنی از شغل و مقام خود برکنار نخواهد شد. و برایشان هیچ گونه تعهدی و پرداخت خون بهای خون هایی که در جاهلیت ریخته شده است نخواهد بود. آنان را از سرزمین خودشان تبعید نخواهند کرد و از آنان یک دهم گرفته نمی شود و سرزمین ایشان پایکوب نخواهد شد و لشکر به

آن کشیده نمی شود. هرکس از ایشان حقی مطالبه کند در کمال انصاف بدون این که بر آنان ستم شود یا ستم کننده باشند بررسی خواهد شد. از این پس و در آینده هر کس رباخواری کند، ذمه و عهد من از او برداشته است و هیچ کس را به گناه دیگری مؤاخذه نخواهند کرد.

بر آنچه در این عهدنامه است جوار خدا و ذمه محمد رسول خدا حکم فرما است تا هنگامی که ایشان خیراندیش و نیکوکار باشند و کار خود را با ستم سنگین نکنند و تا هنگامی که خداوند فرمان خود را در این باره ابلاغ فرماید. ابوسفیان بن حرب و غیلان بن عمرو و مالک بن عوف که از خاندان بنی نصر است و اقرع بن حابس حنظلی و مغیره بن شعبه گواهند و این نامه را عبدالله پسر ابوبکر برای ایشان نوشت

منبع: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

Iranian Islamic Human Rights Commission